

پرورش خلاقیت

از طریق کتاب‌های آموزشی

(به مناسبت سال نوآوری و شکوفایی)

دکتر محمود معافی

مقدمه

«خلق کردن» یعنی پدید آوردن چیزی که قبلاً نبوده است و در مواردی، به وجود آوردن چیزی از طریق چیزهای دیگر [پیر خابفی، ۱۳۸۴]. از آن‌جا که انسان‌ها قادر نیستند، چیزی را از هیچ بسازند، لاجرم آفرینشگری در آدمی همیشه مستلزم تغییر دادن شکلی از مواد معین (خواه مواد فیزیکی و خواه ذهنی) است.

نظریات و تعاریف گوناگونی که تاکنون درباره‌ی خلاقیت مطرح شده‌اند، هر کدام جنبه‌ای خاص از آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. بنابراین، شاید بتوان با انتخاب نکات قابل توجه در این تعاریف و در نظر گرفتن ارتباط میان مفاهیم اساسی هر تعریف، به راهکارهای پرورش خلاقیت دست یافت.

تعاریف متفاوت از خلاقیت

■ **آیزنک، آرنولد و مای لی (۱۹۷۵)**، خلاقیت را فرایندی روانی می‌دانند که به حل مسئله، ایده‌سازی، مفهوم‌سازی، ساختن اشکال هنری، نظریه‌پردازی و تولیداتی می‌انجامد که بدیع و بی نظیر هستند.

■ **«فرهنگ روان‌شناسی و بر»**، خلاقیت را ظرفیت دیدن روابط جدید، پدید آوردن اندیشه‌های غیرمعمول و فاصله گرفتن از تفکر سنتی می‌داند [قاسم‌زاده، ۱۳۷۵].

■ **تورنس (۱۹۷۹)**، خلاقیت را فرایندی می‌داند که شامل داشتن حساسیت نسبت به مسائل، کمبودها، تنگناها و ناهماهنگی‌ها می‌شود. حساسیتی که به دنبال تشخیص مشکل یا مشکلات به وجود می‌آید، موجب می‌شود که فرد در صدد یافتن راه‌حل‌های مشکلات برآید و با طرح فرضیه‌هایی به این منظور و سپس آزمایش و تعدیل فرضیه‌ها، سرانجام به نتایج نهایی برسد. [پیرخالقی، ۱۳۸۴].

■ **«فرهنگ روان‌شناسی سیلامی»**، خلاقیت را تمایل به علاقه به ابداع می‌داند که در همه‌ی افراد و در همه‌ی سنین به طور بالقوه وجود دارد و با محیط اجتماعی فرهنگی دارای پیوستگی مستقیم و نزدیک است [خان‌زاده، ۱۳۵۸].

۲۵۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۷

۱۸

■ **ورنون (۱۹۸۹)**، خلاقیت را توانایی شخص در ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش‌ها یا اشیای جدید و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌هایی می‌داند که به وسیله‌ی متخصصان به‌عنوان پدیده‌ای ابتکاری و از لحاظ علمی، زیباشناسی، فناوری و اجتماعی با ارزش قلمداد می‌شود.

■ **دبونو (۱۹۷۰)** اظهار می‌دارد، برای این که افراد بتوانند خلاق باشند، باید روش‌های صحیح تفکر را به آن‌ها آموخت و در این صورت است که همه‌ی افراد این قابلیت را به‌دست خواهند آورد که از خود خلاقیت نشان دهند.

■ **گیلتورد (۱۹۵۹)** لازمه‌ی خلاقیت را داشتن ذهنی سیال (توانایی در تولید افکار و ایده‌ها)، انعطاف‌پذیر (دارای تنوع و گوناگونی در اندیشه) و مبتکر بودن (یگانه بودن فکر در ارائه راه‌حل‌های بدیع) می‌داند (سلیمانی، ۱۳۸۰).

عده‌ای خلاقیت را الگوبرداری از نمونه‌های عینی، برای مثال پدیده‌های طبیعی و اشیای مصنوعی یا ابداعات انسانی می‌دانند. ایده‌ی پشت چنین طرز تفکری این است که طبیعت هر چه را که برای ما مطلوب دانسته، از قبل اختراع کرده است و ما فقط باید از آن تقلید کنیم. از سوی دیگر، الگوبرداری از کار دیگران، ما را ناگزیر به کشف دوباره‌ی فرایندهای خلق یک اثر می‌کند. به همین علت، الگوبرداری آغازی برای خلق مستقل یک اثر است. شاید برای آغاز کار، الگوبرداری از کار دیگران مناسب باشد، اما چون نوآوری در آن دیده نمی‌شود، خطر در جازدن را به‌دنبال دارد. برای مثال، اگر قرار بود که آیندگان در تأمین روشنایی هم‌چنان شمع‌سازی پدران خود را تکرار می‌کردند، امروزه خبری از این همه منابع متنوع تأمین روشنایی نبود. خلاقیت مستلزم متفاوت اندیشیدن و فاصله گرفتن از قواعد پیشینیان و تفکر سنتی است.

■ **مایهالی (۱۹۶۳)**، خلاقیت را حاصل برخورداری از شخصیت خلاق و برقراری ارتباط فعال و زنده با طبیعت و محیط احتمالی خلاق می‌داند. طبیعت خود سرشار از خلاقیت‌های خالق متعال است. محیط اجتماعی خلاق، محیطی است پر از محصولات انسان‌ساز، ایده‌های نوین و افرادی خلاق. از سوی دیگر، خلاق، دارای صفاتی چون مستقل بودن، اهل ریسک و خطر بودن، صاحب عزم بودن، خستگی‌ناپذیر، تسلیم‌نشدن به قواعد سنتی، حساسیت داشتن به پدیده‌ها و رخدادها و اعتماد به نفس است. چنین شخصیتی فرد را قادر می‌سازد که کار خلاقانه انجام دهد.

اجزا و عناصر خلاقیت و راهبردهای پرورشی

در خصوص این که اجزا و عناصر خلاقیت کدام‌اند، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. با این حال، اگر این عناصر گوناگون را در کنار یکدیگر ببینیم، سازه‌های خلاقیت بهتر روشن می‌شوند. گیلفورد، آن چه را که به خلاقیت در فرد منجر

«تورنس»

خلاقیت را

فرایندی می‌داند

که شامل

داشتن حساسیت

نسبت به مسائل،

کمبودها، تنگناها

و ناهماهنگی‌ها می‌شود



آشنا نبودن معلم یا مربی با شیوه‌های پرورش خلاقیت در دانش آموزان خود مانع بزرگی در زمینه‌ی پرورش تفکر خلاق است

می‌شود، ناشی از تفکر واگرا می‌داند. به اعتقاد او، دو نوع تفکر در انسان وجود دارد: تفکر هم‌گرا و تفکر واگرا. «تفکر هم‌گرا» همان تفکر منطقی و استدلالی انسان محسوب می‌شود که همواره در پی یافتن یک جواب صحیح است. این تفکر می‌تواند در آزمون‌های هوشی مؤثر واقع شود، اما به خلاقیت منجر نمی‌شود. فردی که پاسخ همه‌ی سؤالات را حفظ کرده است، الزاماً فردی خلاق نیست. او ممکن است، حافظه‌ای قوی داشته باشد.

اما «تفکر واگرا» آن نوع از تفکر است که جواب‌ها و ایده‌های متعددی را برای یک سؤال ارائه می‌کند. به اعتقادات گیلفورد، عناصر تفکر واگرا شامل سیالیت ذهن، انعطاف‌پذیری و ابتکار است.

بر اساس نظریه‌ی گیلفورد برای آن که دانش آموزان خلاق بار آیند، باید:

۱. پیرامون یک موضوع زیاد مطالعه و یا کسب تجربه کنند تا بتوانند ایده‌های فراوانی در مورد آن داشته باشند.

۲. متفاوت از دیگران بیندیشند تا بتوانند راه‌حل‌های متنوعی ارائه دهند.

۳. بدیع بیندیشند تا بتوانند یک ایده و یا محصول نو و منحصر به فرد تولید کنند.

افرادی نظیر آیزنک، آرنولد، مای‌لی، وبر و دیبونو خلاقیت را فرایندی روانی می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها، برای آن که ذهنی خلاقانه عمل کند، باید روش‌های صحیح تفکر و مهارت‌های تفکر خلاق را به آن آموخت. برای مثال، دانستن چگونگی حل مسئله به روش هم‌گرا و واگرا فکر کردن به شیوه‌ی افقی (توجه به نکات هم‌عرض)، فکر کردن به شیوه‌ی عمودی (حرکت ذهن از بالا به پایین و یا از پایین به بالا) نظرات، افراد، اشیا، موضوعات مرتبط و غیر مرتبط، طرح‌ریزی، ساختن، نظارت و ارزیابی، پشتکار، توسعه‌ی تجربیات، تکمیل ایده‌ها، تکرار تجربیات، ترکیب ایده‌ها، (مرتبط یا نامرتبط) خسته نشدن از سؤالات متعدد، دستکاری در داده‌ها و مواردی از این قبیل.

از سوی دیگر، معلمان باید با شیوه‌های پرورش صحیح خلاقیت آشنا باشند. معلم ناآگاه ممکن است، به مرور زمان کلاس درس خود را به محیطی تبدیل کند که در آن خلاقیت دانش‌آموز سرکوب شود. همان‌گونه که مایهالی اشاره کرده است، عناصر سازنده‌ی خلاقیت از نظر وی بر خورداری فرد از شخصیت خلاق، برخورد فعال با محیط زنده و غیرزنده و وجود محیط خلاق است. با توجه به نظرات مایهالی به دانش‌آموزان باید یاد داد که:

۱. مستقل فکر کنند؛

۲. از طرح ایده‌های نو نهراسند؛

۳. از سرزنش افراد باکی نداشته باشند و اهل ریسک و خطر کردن باشند؛

۴. اراده و تصمیم خود را قوی کنند؛

۵. منطقی و مستدل فکر کنند.

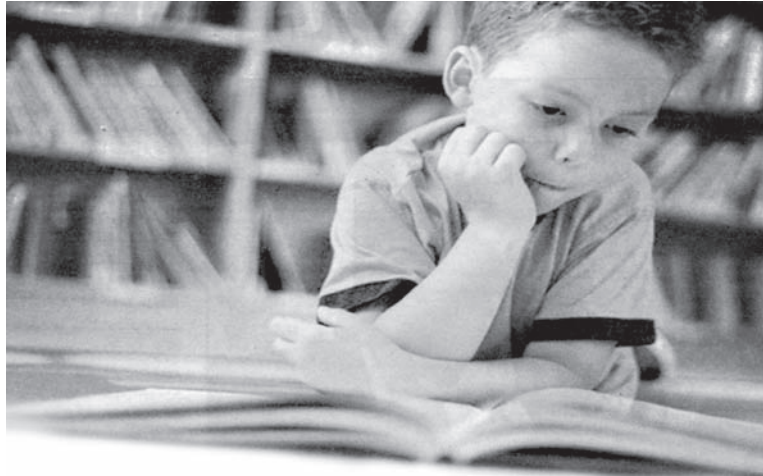
معلمان نیز باید:

۱. از ایده‌های نوینی که شاگردان آن‌ها ارائه می‌کنند، حمایت کنند؛

۲. محیط یادگیری را برای آن‌ها متنوع و غنی سازند تا امکان کسب تجربیات گسترده برای شاگردان فراهم شود؛

۳. از به‌کارگیری افراطی روش‌های تدریس سنتی که به ایجاد محیط انفعالی کمک می‌کند،

بپرهیزند.



اکنون این سؤال مطرح می‌شود که در کتاب‌های آموزشی، نظیر کتاب‌هایی که برای معلمان و یا دانش‌آموزان نوشته می‌شوند (مواد)، چگونه می‌توان تفکر خلاق را پرورش داد. در پاسخ می‌توان به مواد زیر اشاره کرد:

الف) در کتاب‌های معلمان:

۱. آگاه کردن معلمان از اصول و روش‌های پرورش تفکر خلاق (آشنا نبودن معلم یا مربی با شیوه‌های پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان، خود مانع بزرگی در زمینه‌ی پرورش تفکر خلاق است).
۲. آگاه کردن معلمان از موانع پرورش خلاقیت نظیر پیامدهای تأکید زیاد بر نمره، گرایش افراطی به روش‌های تدریس سنتی، عدم توجه به تفاوت فردی دانش‌آموزان، منحصر دیدن خلاقیت به گرفتن نمره‌های بالا در ریاضیات و علوم، ارائه‌ی تکالیف درسی زیاد، استهزا و تمسخر دانش‌آموز به خاطر ایده یا نظر اشتباه.

ب) در کتاب‌های دانش‌آموزان:

۱. مواجه کردن دانش‌آموزان با مسائل حل نشده و درخواست از آن‌ها برای ارائه‌ی راه‌حل‌های جدید.
 ۲. فراهم کردن زمینه‌هایی در کتاب برای خیال‌پردازی‌های سازنده.
 ۳. فراهم کردن فرصت‌هایی در کتاب برای ارائه‌ی راه‌حل‌های متنوع.
 ۴. تشویق دانش‌آموزان به ایجاد ارتباط بین دو چیز که هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند، اما ممکن است که به خلق یک مفهوم جدید بینجامد.
 ۵. ارائه‌ی سرگرمی‌های ایده‌ساز، برای مثال طرح موضوعاتی که شاگرد ناچار به مراجعه به کتاب‌ها و مجلات شود، به مشاهده‌ی طبیعت بپردازد، از خیابان بازدید کند، با به کار دیگری مشغول شود.
 ۶. طرح سؤالات ایده برانگیز.
- از دانش‌آموزان خواسته شود تا یک طرح را تکمیل کنند، درباره‌ی یک موضوع تحقیق کنند، درباره‌ی یک موقعیت تصمیم بگیرند و نظر بدهند، در اشیا دست کاری کنند، به جزئیات توجه کنند، تعریفی بسازند، جزئیات چیزی را کشف کنند، به مفهوم سازی دست بزنند، و یا واژگان، ایده‌ها و تصاویر را باهم برای ساختن چیزی ترکیب کنند.

منابع

۱. سلیمانی، افشین (۱۳۸۱). کلاس خلاقیت (تمرینات و روش‌های عملی پرورش خلاقیت برای معلمان و مربیان). انتشارات انجمن و اولیا و مربیان.
۲. اسپورن، الکس اس (۱۳۷۵). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. ترجمه‌ی حسن قاسم‌زاده. نیلوفر. تهران.
۳. بودو، آلن (۱۳۵۸). خلاقیت در آموزشگاه. ترجمه‌ی علی‌خان زاده. چهره. تهران.
۴. پیرخایی، علی‌رضا (۱۳۸۴). خلاقیت (مبانی و روش‌های پرورش). انتشارات هزار، قفقوس.